

است. در مورد خلیج فارس، این مسأله بدین معنی است که آمریکا سالها برنامه ریزی کرده تا ارتش سعودی را شکل دهد و آن را به نیرویی تأثیر گذار تبدیل کند. ایالات متحد، همچنین امارات را برای کاهش آسیب پذیری هایش در مقابل ایران تشویق کرده و به نظر می‌رسد اقدام این کشور به ایجاد راه صادراتی جدید به دریای عمان، در همین راستا باشد.

کلیه این اقدامات، زمان، هزینه و تلاش‌های زیادی را نیاز دارند، اما از نظر کشورهای خلیج فارس که ایران را تهدیدی برای تسلط بر این منطقه می‌دانند، عملی کردن این اقدامات ظاهراً ضروری است. ■

می‌شوند، اما این کشورها چندان خوی جنگ طلبی ندارند. با وجودی که عربستان جدیدترین تکنولوژی‌های جنگی را وارد می‌کند، ارتش سعودی به طور جدی فاقد فرماندهی، خلأیت، آموزش و اصول مناسب برای استفاده حرفه‌ای و منسجم از این سیستم‌ها است. وابستگی کشورهای خلیج فارس به واشنگتن، عاملی است که به آمریکا اجازه می‌دهد ارتش خود را به منطقه بکشانند. طرح فروش ۶۰ میلیارد دلاری سلاح به عربستان، در واقع این پیام را به ایران می‌رساند که خروج آمریکا از عراق به معنی آن نیست که ایالات متحد از منافع خود در منطقه دست برداشته است. البته آمریکا برای رسیدن به اهداف خود به طور قطع نیازمند نیروهای محلی کشورها

## دولت و عملکرد اقتصادی سالم

# وسوسه فساد و حاکمیت خوب

## نگاه دکتر علی‌اکبر نیکو اقبال، استاد اقتصاد دانشگاه تهران و عضو انجمن اقتصاددانان ایران



نکته مهمی است که سلامت جامعه را در گرو سلامت قضا بدانیم. با کالبد شکافی تئوریک بخش دولتی، می‌توان به وجود نوعی عدم اطمینان از پذیرش ریسک‌ها در

حکمرانی خوب موضوعی است که در تعاریف بین‌المللی بر مبنای عواملی همچون میزان فساد، پاسخگویی دولت به مردم، اثر بخشی دولت‌ها، حاکمیت قانون و کیفیت مقررات و در نهایت، ثبات سیاسی در کشورها تعریف می‌شود.

آنچه در ابتدای این بحث باید به آن اشاره کرد این است که بر خلاف مسائلی که مطرح می‌شوند، حکمرانی خوب لزوماً با دولت کوچک حاصل نمی‌شود؛ کما این که بسیاری از کشورهایی که دولت بزرگی دارند، اقتصادهای موفق داشته‌اند. البته دولت که حجم عظیم ۸۰ درصدی فعالیت‌های اقتصادی را در دست دارد، دولت بزرگی محسوب می‌شود و لازم است حجم این فعالیت‌ها به ۴۰ تا ۵۰ درصد تقلیل یابد. اما این کاهش فعالیت شرکت‌های دولتی و واگذاری آنان به بخش خصوصی در کنار تقویت بخش خصوصی پویا، نیازمند بهره مندی از شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مناسبی است که بتواند دستیابی به اهداف تعریف شده را تضمین کند. این نکته را هم باید در نظر داشت که در حال حاضر، شرایط برای ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی چندان مطلوب نیست. به عنوان مثال، می‌توان با نگاهی به مدت زمان صدور مجوز برای شروع یک فعالیت اقتصادی به این نکته پی برد که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، کشور ما با بوروکراسی و مقررات و وقت کشی‌های بیشتری درگیر است. مثلاً به وضعیت صادرات کشور که تأثیر فراوانی در توسعه اقتصادی دارد نگاه کنید؛ علیرغم تمام تأکیدهایی که بر این مهم صورت می‌گیرد، طی شدن مراحل مختلف صدور کالا در ایران به چند ماه زمان نیاز دارد، در حالی که این مدت برای کشوری چون سنگاپور ۲۴ ساعت است.

آینده - علی‌الخصوص در میان شرکت‌های دولتی - اشاره کرد. مدیر عامل یک شرکت خصوصی در انجام ریسک‌های بزرگ از آزادی عمل بالاتری برخوردار است، اما در یک شرکت دولتی، ریسک و احتمال خطر برای مدیریت یک مدیر، او را از انجام فعالیت‌های بزرگ و تکاپوگراییه باز می‌دارد. از طرفی، این تصور که کاشت نهال یک فعالیت بزرگ بر عهده یک مدیر است، در حالی که شاید افتخار برداشتن آن به مدیر دیگری برسد (به دلیل تغییرات مدیریتی مداوم)، هر مدیری را از نوآوری باز می‌دارد. این موضوع به خصوص بعد از انقلاب که مقررات شرکت‌های دولتی به گونه‌ای تغییر یافته‌اند که مدیر عامل در عمل، تنها مجری خواست هیأت مدیره است، بیشتر به چشم می‌خورد. نگاهی به وضعیت انتخاب در شرکت‌های دولتی مبین آن است که تعیین مدیر عامل و هیأت مدیره در این شرکت‌ها از روند قابل قبولی تبعیت نمی‌کند و به نوعی استقلال حقوقی شرکت‌ها را زیر سؤال می‌برد. به عنوان مثال، تعیین مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های دولتی ایرانی ممکن است با خواست وزیری که شرکت در زیرمجموعه آن بخش فعالیت می‌کند مشخص گردد، یا حتی نظر اعضای داخلی شرکت در تعیین مدیر عامل در نظر گرفته شود. لذا یکنواختی نظرات و همسویی افراد، مانع از هر گونه پیشرفت می‌شود و چون نظارت به معنی واقعی کلمه وجود ندارد، مشکلات بزرگتر می‌شوند.

مسائلی از این قبیل باعث شده‌اند ترازنامه‌ها و صورت‌های سود و زیان شرکت‌های ایرانی از شفافیت چندان برخوردار نباشند. برعکس، در سطح جهانی، هر گونه مشکل اقتصادی در شرکت‌ها، در قیمت‌های فروش و درآمدشان منعکس می‌شود و این نقیصه حداکثر ظرف یک هفته به هیأت مدیره و مدیران ارشد گزارش می‌گردد. وقتی قرار است گزارش‌های مالی شرکت‌ها به صورت سالانه بررسی شوند، نمی‌توان انتظار رفع مشکلات را در کوتاه مدت داشت. کشورهای صنعتی دنیا هم زمانی گزارش‌های سالانه منتشر می‌کردند، اما توانستند این امر را به یک هفته کاهش دهند. این موضوع باعث می‌شود اثرات منفی موجود در اقتصاد یا صنعت کشور، ظرف یک هفته شناسایی شده و در مدتی کوتاه، نقایص برطرف شوند. به علاوه، وقتی همه مدیران شرکت، ضرورت نظارت بر عملکرد مدیر عامل را نادیده می‌انگارند و کمابیش در اختیار وزارتخانه‌های متبوع خود هستند، نمی‌توانند منافع

## فاکتورهای توسعه بخش خصوصی

بهبود کسب و کار در کشور، شفاف سازی و جریان اطلاعات، تقویت نهادهای مدنی و قوه قضاییه مستقل - برای تأمین امنیت قضایی در راستای بهبود عملکرد اقتصادی و فضای مطمئن اقتصادی در کشور - از مهمترین پیش نیازهای بهبود کارایی بخش خصوصی محسوب می‌شوند. در مورد موضوع امنیت قضایی باید اشاره کنیم که انجام یک عملیات اقتصادی نیازمند وجود مرجعی قانونی برای رفع مشکلات و حل و فصل اختلافات به صورتی عادلانه است. حضور و استقلال چنین مرجعی که بی‌طرفانه به رفع و رجوع مشکلات بپردازد، بسیار ضروری است. عدم بی‌طرفی در رفتار قوه قضاییه می‌تواند به ایجاد رانت برای عده‌ای بی‌انجامد و نتیجه این امر، آفت سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل عدم اطمینان قضایی در فضای اقتصادی خواهد بود. چرچیل پس از آن که نخست وزیر انگلستان شد، سلامت قوه قضاییه این کشور را متضمن رفع همه نقایص اقتصادی آن معرفی کرد. این

حالا انجام هستند - حتی نصفه و نیمه - وجود ندارد. در اینجا باید به چند شاخص اشاره کرد که بهبود حاکمیت، اولین آنها است. بهبود حاکمیت از طریق کاهش فساد سازمان‌ها و شرکت‌ها به وجود می‌آید، چرا که این موارد محل رد و بدل شدن منابع عظیم مالی و فعالیت‌های بزرگ اقتصادی محسوب می‌شوند و می‌توانند به رشد فساد دامن بزنند. مفاسدی از دستکاری در حساب‌های مربوط به خرید مواد اولیه گرفته تا رشوه و جابجایی غیرقانونی کالا و پول که همگی می‌توانند در این شرکت‌ها صورت پذیرند. اینجا است که هیأت مدیره مستقل می‌تواند با نظارت بر مدیر عامل، عملکرد بهتری را در قیاس با حالتی که مدیر عامل، وابسته به هیأت مدیره است از خود به نمایش بگذارد. فساد در سازمان‌ها تابع ۳ عامل است: دانش اطلاعات (Information Knowledge)، رهبری (Leadership) و کنش جمعی (Collective Action).

در رابطه با عملکرد جمعی، باید نیروی عظیمی را در نهادهای قانون گذاری، اجرایی، قضایی و مدنی و سازمان‌های موجود در جامعه، برای مبارزه با فساد مستقر کرد و این همان حرکتی است که چین در جریان مبارزه با فساد به آن اقدام کرد و نتایج موفق آن را هم دیده است. حکمرانی خوب بر این مبنا امکان پذیر خواهد بود. ■

شرکت یا منافع ملی را در نظر بگیرند و در نتیجه، به شدت تحت تأثیر منافع زودگذر وزارتخانه خود قرار می‌گیرند؛ مخصوصاً آن که حسابرسان و بازرسان هم تحت نفوذ و تأثیر هیأت مدیره قرار دارند. در این شرایط، نمی‌توان انتظار داشت که عملکرد مدیران شرکت‌ها توسط کارمندان همان شرکت که تحت نظر مدیران قرار دارند، واکاوی شود.

### پاسخگویی و شفاف سازی

یکی از مسائلی که بانک جهانی بر آن تأکید دارد، لزوم پاسخگویی اجتماعی در هر دو بخش دولتی و خصوصی و همچنین نهادهای مدنی است، چرا که همه این بخش‌ها می‌توانند دچار فساد شوند. این که تصور کنیم در بخش خصوصی فساد وجود ندارد صحیح نیست. برای جلوگیری از فساد و شیوع آن در جامعه باید فرهنگ پاسخگویی ترویج شود و هر فرد در هر موقعیتی که قرار دارد، پاسخگویی عمل و تصمیمات خود باشد و شفاف عمل کند و شفاف تصمیم بگیرد. ما این مشکل را در سطح کلان و در بودجه ریزی غیرشفافی که در کشورمان داریم، مشاهده می‌کنیم. آمار مانده حساب‌های دولتی در دسترس نیست و هیچ اطلاعاتی درباره این که جریان‌های اقتصادی در کشور ما به چه صورتی در

### عملکرد بازار سرمایه ایران

## ساز و برگ بازار

### تحلیل دکتر شاهین شایان آرانی، کارشناس ارشد بازار سرمایه

برای ارزیابی بازار سرمایه کشور در سال‌های اخیر، نیازمند ارایه یک مقیاس مناسب هستیم که بتوانیم با بهره‌گیری از آن، عملکرد بازار را مورد سنجش قرار دهیم. این مقیاس می‌تواند قیاس بازار سرمایه امروز کشور با بازار در سال‌های گذشته باشد (قیاس داخلی)، یا قیاس با اهدافی باشد که برای ما تنظیم شده‌اند. این معیار حتی می‌تواند مقایسه بازار با الگوهای مشابه در خارج از کشور باشد.

با نگاهی به اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و تأکید آن بر رشد ۸ درصدی سرمایه گذاری در کشور که با خود اهدافی از قبیل افزایش اشتغال و توسعه اقتصادی را به بار می‌آورد و با ذکر این حقیقت که رشد سرمایه گذاری، موتور محرکی برای توسعه اقتصادی است، این سؤال پیش می‌آید که با این مقیاس، آیا بازار سرمایه ایران وظایف خود را در رسیدن به این هدف، تمام و کمال ایفا کرده و می‌کند؟ از آنجا که بازار سرمایه، یک فضای معاملاتی برای نقل و انتقال ارزش‌های مرتبط با رویکرد سرمایه گذاری (بلند مدت) بوده و به عبارتی، منابع مالی مورد نیاز را برای یک دوره میان مدت تا بلند مدت تجهیز می‌کند، پس باید بسترها و مکانیزم‌های لازم را برای تجهیز و تخصیص منابع در اختیار داشته باشد تا از این طریق، رشد مد نظر برای سرمایه‌گذاری به دست آید.

با نگاهی به حقایق موجود در بازار سرمایه ایران، باید گفت در تجهیز منابع سرمایه‌ای موجود جهت دستیابی به اهداف مورد نظرمان ناتوان مانده‌ایم. شاید این سؤال پیش آید که پس چرا در خلال این سال‌ها شاخص بورس رشد خوبی را تجربه کرده است؟ در جواب این سؤال باید گفت این رشد صرفاً ارزشی است و انتظارات مرتبط با ارزش‌ها را نشان می‌دهد و برای رسیدن به رشد ۸ درصدی، نیازمند ورود منابع جدید به بورس هستیم. در کشورهای بزرگ دنیا و بورس‌های بین‌المللی، علاوه بر ارزیابی ملاک‌هایی همچون رشد شاخص‌های بورس و رشد ارزش معاملات، شاخص مهم دیگری تحت عنوان خالص ورود منابع جدید - که از کسر ورود و خروج منابع به دست می‌آید - مورد بررسی و محاسبه قرار می‌گیرد. لذا توجه صرف به شاخص‌های بورس می‌تواند گمراه کننده باشد.



### رشد سرمایه گذاری را دریابیم

برای رشد سرمایه گذاری در کشور، ابتدا باید همه قوانین و مقررات موجود را اعم از قوانین و مقررات کسب و تجارت، مالیات، قراردادهای، حق مالکیت و سایر قوانین، به سمت جذب و حمایت مادی، قانونی و معنوی سرمایه گذار معطوف کنیم. در گام بعدی، ایجاد نظام‌های انگیزشی اقتصادی شامل معافیت‌های مالیاتی، اعطای وام و تسهیلات لازم به سرمایه گذار برای ورود به صحنه سرمایه گذاری را مورد تأکید قرار دهیم. در نهایت هم باید فرهنگ سرمایه گذاری را در جامعه گسترش دهیم. خوشبختانه در حوزه قوانین و مقررات، اقدامات مناسبی تحقق یافته، ولی مسأله عدم وابستگی و پیوستگی قوانین همچنان مطرح است.

به عنوان مثال، از یک طرف قوانین جذب سرمایه گذاری را داریم، اما از طرف دیگر ممنوعیت‌های ارزی بانک مرکزی وجود دارند. باید بدانیم که به چنین موضوعی نمی‌توان نگاه "جزیره‌ای" داشت. باید یک نظام قانونی یک صدا و پیوسته طراحی شود که بتواند سرمایه گذاری را در کشور تجهیز کند. در این خصوص، می‌توان طرح‌های آمایش صنعتی را مثال زد که خوشایند سرمایه گذاران در بخش صنعت می‌باشد، ولی بسیاری از آنها به محض رسیدن به نظام بانکی یا از ادامه مسیر باز می‌مانند و یا فرار می‌کنند. دلیل آن است که در کشور ما پیوستگی در بخش‌های مختلف و مرتبط - به خصوص در نظام بانکی - وجود ندارد.

نکته دیگر آن که جذب سرمایه از طریق بورس، نیازمند اعتماد به فضای بورس و کارآمدی آن است. در حال حاضر، فضای بورس به شدت حالت بازرسی، حسابرسی و کنترلی دارد. در این فضا، اولاً کسی قادر به جذب منابع نیست و ثانیاً اکثر شرکت‌ها - مانند شرکت‌هایی که توسط سازمان خصوصی‌سازی در بورس عرضه می‌شوند - دولتی‌اند.